

تورم

حسابداری

تورم

حسابداری

نوشته‌ی : دیوید توپسیدی و جفری ویتینگتون

ترجمه‌ی : فریده خلعت‌بری

نقل از : نشریه‌ی حسابداری، شماره‌ی نوامبر ۱۹۸۵.

حسابداری در شرایط تورمی موضوعی است که سالها مورد بحث محافل حرفه‌ای و موجب وضع قوانین خاص در برخی از کشورهای جهان بوده است و روز به روز اهمیت بیشتری به دست آورده است. نوشته‌ی زیر اثر دوتن از اساتید و صاحب نظران حسابداری، پروفیسور دیوید توپیدی (استاد دانشگاه لانکاستر و عضو کمیته‌ی بین‌المللی

رویه های جاری) وجفری وتینگتون (استاد حسابداری و
رییس دانشکده ای علوم اجتماعی دانشگاه بریستول)
است که توسط همکار ما خانم فریده خلعت بری ترجمه
شده است و برای مزید اطلاع علاقه مندان عرضه می گردد.
برای سهولت مطالعه، واحد پولی موضوع جدا ول به
ریال تغییر یافته است.

منظور کردن سرمایه ی مالی در حسابها شاید طبیعی ترین کار
برای یک حسابدار و متداول ترین روش حسابداری باشد که براساس
آن سرمایه ی یک واحد تجاری به عنوان وجوه متعلق به مالکان و
سود به عنوان درآمد ناشی از حفظ سرمایه به حساب می آید. دو روش
برای تعیین ارزش سرمایه ی مالی وجود دارد: سرمایه ی مالی پولی
و سرمایه ی مالی واقعی. اولین روش (یعنی سرمایه ی "پولی")
سود حاصل از به کارگیری سرمایه ی مالی اولیه را بر حسب واحدهای
پولی بیان می کند. این روشی است که در هزینه یابی بر مبنای
قیمت اولیه استفاده می شود.

در روش سرمایه ی مالی "واقعی"، سرمایه ی اولیه ای که به
کار گرفته می شود، با شاخص تورم تعدیل می گردد - یعنی سرمایه ی
اولیه بر حسب واحدهای پولی در پایان دوره بیان می شود. حفظ
ارزش سرمایه معمولاً به حسابداری براساس قدرت خرید جاری نیاز
دارد، هرچند که می توان آن را با روش ارزش جاری - یا روش
هزینه ی جاری - برای تعیین ارزش داراییها نیز درآمیخت تا
نظامی متکی بر "شرایط واقعی" به دست آید.

سرمایه ی مالی پولی با هزینه یابی بر مبنای قیمت اولیه
ابتدا کاربرد روش سرمایه ی مالی پولی را در هزینه یابی
بر مبنای قیمت اولیه تشریح خواهیم کرد. مثال عددی به عنوان
ابزاری برای تشریح روشهای دیگر حفظ ارزش سرمایه نیز به کار
خواهد رفت. فرضهای ما به شرح زیر است:

۱- ترازنامه ی شرکت در ۲۹ اسفند ماه سال (۱) با روش هزینه یابی

بر مبنای قیمت اولیه به صورت زیر است :

<u>هزار ریال</u>	<u>هزار ریال</u>	
	۲۰۰۰	داراییهای ثابت به قیمت اولیه
		کسرمی شود :
۱۶۰۰	<u>۴۰۰</u>	استهلاک انباشته
		داراییهای جاری :
	۵۰۰	موجودی کالا
	۳۰۰	بدهکاران
	<u>۲۰۰</u>	وجه نقد
		کسرمی شود :
	۱۰۰۰	بدهیهای جاری
	<u>۶۰۰</u>	سرمایه در گردش
<u>۴۰۰</u>		
<u>۲۰۰۰</u>		
<u>=====</u>		
		تامین شده از محل :
۱۰۰۰۰		سرمایه به صورت سهام
<u>۲۰۰</u>		اندوخته ها
۱۲۰۰		حقوق (مالی) صاحبان سهام
<u>۸۰۰</u>		وامهای بلند مدت
<u>۲۰۰۰</u>		
<u>=====</u>		

استهلاک داراییها به نرخ ۱۰ درصد در سال و به صورت ساده محاسبه شده است و سود و کارمزد و وامها به نرخ ۲/۵ درصد در سال در پایان هر سال پرداخت می شود .

۲- حساب سود و زیان برای سال منتهی به ۲۹ اسفند ماه سال (۲) به شرح زیر است :

<u>هزار ریال</u>	<u>هزار ریال</u>	
۷۰۰۰		فروش
		کسرمی شود :

قیمت تمام شده ی کالاهای فروخته شده :

۵۰۰	موجودی اول دوره
<u>۶۰۰۰</u>	خریدهای طی سال
۶۵۰۰	

کسرمی شود :

<u>۵۷۰۰</u>	<u>۸۰۰</u>	موجودی پایان دوره
۱۳۰۰		

کسرمی شود :

	۶۰۰	سایر هزینه ها
	<u>۲۰۰</u>	استهلاک
<u>۸۰۰</u>		
۵۰۰		سود ویژه ی دوره

کسرمی شود :

<u>۱۰۰</u>	سود و کارمزدها
۴۰۰	سود قابل تقسیم بین سهامداران
====	

(برای ساده شدن مثال، مالیات و سود سهام نادیده گرفته شده است .)

۳- ترازنامه در ۲۹ اسفند ماه سال (۲) به شرح زیر است :

هزارریال هزارریال

داراییهای ثابت به قیمت اولیه ۲۰۰۰۰
کسرمی شود :

<u>۶۰۰</u>	استهلاک انباشته
۱۴۰۰	

داراییهای جاری :

۸۰۰	موجودی کالا
۶۰۰	بدهکاران
<u>۵۰۰</u>	وجه نقد
۱۹۰۰	

کسرمی شود :

<u>۹۰۰</u>	بدهیهای جاری
------------	--------------

۱۰۰۰۰ سرمایه در گردش

۲۴۰۰

=====

تامین شده از محل:

۱۰۰۰۰ ر	سرمایه به صورت سهام
<u>۶۰۰</u>	اندوخته ها
۱۰۶۰۰ ر	حقوق (مالی) صاحبان سهام
<u>۸۰۰</u>	وامهای بلند مدت
۲۰۴۰۰ ر	
=====	

مثال بالا نظامی را ارائه می دهد که هر حسابداری با آن آشنایی دارد. ارزشیابی به قیمت اولیه صورت می گیرد، و حساب سود و زیان با ترازنامه هماهنگ است: - یعنی افزایش در اندوخته ها (۴۰۰ هزار ریال) برابر با سود دوره است زیرا بنا به فرض سودی به سهام تعلق نمی گیرد و سهام جدید نیز صادر نشده است. بنا بر این، مبلغ سود نشان دهنده ی میزان افزایش خالص ارزش واحد تجاری برای صاحبان آن واحد طی دوره است که بر اساس هزینه های اولیه حساب می شود. این امر نشان می دهد که میزان درآمد مدیانه ی سودی ارزشیابی داراییها و نیز حفظ ارزش سرمایه و بستگی قاطع دارد. اگر قبول داشته باشیم که محاسبه ی درآمد بر اساس هزینه های اولیه درست است، در آن صورت ترازنامه ی مبتنی بر هزینه های اولیه نیز باید مفید فایده ای باشد، زیرا اندازه گیری درآمد بر ترازنامه های ابتدا و انتهای دوره متکی است و فقط از این راه می توان حقوق مالی صاحبان سهام (سرمایه و اندوخته ها) را در آغاز و پایان دوره تعیین کرد.

سرمایه ی مالی پولی با تجدید ارزشیابی

تعیین سرمایه ی مالی پولی با روش ارزشیابی به هزینه های اولیه و بستگی ندارد، هر چند که به نظر می رسد عکس این رابطه برقرار باشد (یعنی تعیین ارزش هزینه های اولیه اجباراً با حفظ ارزش سرمایه ی مالی پولی پیوسته است). در عمل، هزینه یابی بر مبنای قیمت اولیه اغلب با تجدید ارزشیابی گاه ها داراییهای

ثابت تعدیل می شود. در این موارد، هیچ دلیل عملی برای حفظ نشدن ارزش سرمایه‌ی مالی پولی وجود ندارد، زیرا در واقع تعدیلاتی صورت می گیرد.

در تشریح این نکته، مثال عددی خود را با این فرض تعدیل می کنیم که داراییهای ثابت در اول فروردین ماه سال (۲) تجدید ارزشیابی می شوند. در این زمان بهای داراییهای مشابه داراییهای شرکت ۳ میلیون ریال است، ولی محاسبه‌ی استهلاک (به میزان ۱۵ درصد و به صورت مستقیم) هنوز مناسب شمرده می شود. ارزش جدید در اول فروردین ماه سال (۲) برابر $2/4$ میلیون ریال (یعنی قیمت جدید پس از کسر دو سال استهلاک به میزان ۶۰۰ هزار ریال) خواهد بود، که سودی معادل ۸۰۰ هزار ریال به دست می دهد. این سود تحصیل نشده، اگر روش سرمایه‌ی مالی پولی به کار گرفته شود، به عنوان بخشی از سود تلقی خواهد شد (اگرچه دلایلی برای محسوب کردن آن به عنوان تعدیل سال گذشته وجود دارد)، ولی روش متعارف حسابداری این قلم را به حساب سود و زیان راه نخواهد داد و در مقابل آن را مستقیماً تحت سرفصل سود سرمایه‌ی در ذخایر ثبت خواهد کرد.

این روش با حفظ ارزش سرمایه — مثل حفظ ظرفیتهای عملیاتی — سازگارتر است. هدف سود سرمایه‌ی از سود این نکته را می رساند که این سود جزئی از سرمایه‌ی کسب و کار است که برای حفظ کسب و کار در سطح اولیه، باید ذخیره شود. استهلاکهای بعدی در مبلغ تجدید ارزشیابی شده به حساب سود و زیان راه خواهد یافت. بنا بر این روش متعارف حسابداری سود حاصل از داراییهای سرمایه‌ی را به رسمیت نمی شناسد، ولی زیانها را، حتی اگر سود سرمایه‌ی اولیه را خنثی کند، به رسمیت می شناسد. مباحثات اخیر در مورد تفکیک هزینه‌های استهلاک را می توان تلاشی در راه حفظ روش سنتی سرمایه‌ی مالی هزینه‌ای/ پولی برای تعیین درآمد در هنگام تجدید ارزشیابی داراییها تلقی کرد. تفکیک استهلاکی که مربوط به تجدید ارزشیابی داراییهاست، امکان محاسبه‌ی سود ناشی از به کارگیری قیمت‌های

سرمایه مالی پولی با تجدیدارزشیابی هزینه جاری
هزینه یابی بر مبنای قیمت های جاری شامل تجدیدارزشیابی
همستاد* کلیه هزینه ها - به جای تجدیدارزشیابی تدریجی که از
ویژگیهای حسابداری سنتی است - می شود. هیچ دلیلی وجود ندارد
که چنین نظامی حفظ ارزش سرمایه مالی را شامل می شود. در واقع،
"گزارش کل سود" نیز دقیقاً همین کار را انجام می دهد. علاوه
بر آن، به کارگیری روش سرمایه مالی پولی مانع استفاده از
روشهای دیگر حفظ ارزش سرمایه در درون همان نظام نیست. سود
عملیاتی بر مبنای حفظ ظرفیت فیزیکی عملیاتی، و گزارش کل سود
بر اساس حفظ ارزش سرمایه مالی پولی تنظیم می گردد.

در این نظام حساب سود و زیان بر مبنای هزینه های جاری تهیه
می شود. سود به قیمت جاری به این ترتیب به دست می آید که هزینه
جاری جایگزینی داراییهای مصرف شده طی دوره کسر می شود،
ولی سود حاصل از نگاه داری داراییها به آن افزوده نمی شود.
بنابراین، هزینه یابی جاری شکلی جامع از تجدیدارزشیابی
تدریجی است که در حسابداری سنتی یافت می شود و قبلاً به آن اشاره
شد. همان طور که در مورد چنین تجدیدارزشیابی متداول است،
سرمایه به معنی سرمایه فیزیکی (یا ظرفیت عملیاتی) به کار
می رود، نه به معنی سرمایه مالی.

حساب سود و زیان بر مبنای هزینه جاری در نظام ارزشیابی
جاری با گزارش سود همراه شده است که نتیجه ی عملکرد واحد را در
طول سال نشان می دهد، چه سود ناشی از نگاه داری داراییها باشد
و چه سود عملیاتی.

گزارش سود برای سال منتهی به ۲۹ اسفند ماه سال (۲) به شرح

زیر است:

* همستاد ترجمه ی Systematic است.

هزارریال هزارریال

۱۶۷

سودبراساس هزینه جاری
اضافه می شود:

ذخایر ناشی از تجدیدارزشیابی:

۷۳

تعدیل موجودی کالا

تجدیدارزشیابی داراییهای

ثابت^۱

۵۵۳

۴۸۰

۷۲۰

=====

کل سود

رقم سود کل در حقیقت کل سود حاصل از به کارگیری روش سرمایه‌های مالی پولی است که در آن هزینه‌های جاری به عنوان مبنایی برای ارزشیابی داراییها به کار رفته است. بنابراین، رقم شامل "سود حاصل از مالکیت" می شود که به دلیل تجدیدارزشیابی داراییها در طی دوره بر مبنای هزینه‌های جاری به وجود آمده است. ارزش پولی به طور کامل ثبت می شود و تعدیلی در آن به دلیل نیاز به جایگزینی فیزیکی داراییها (مانند فروش متداول در تعیین سود براساس هزینه جاری) یا برای منظور کردن تاثیر تورم (مانند شیوهی عمل در روش "شرایط واقعی" که در زیر به آن اشاره می شود) به عمل نمی آید. این روش به وضوح نشان می دهد که چه گونه روش

۱- (۱- $\frac{120}{100}$) (۶۰۰-۳۰۰۰)، یعنی ارزش داراییهای ثابت در شروع دوره پس از کسر استهلاك که به وسیلهی شاخص خاص آن داراییها تعدیل شده است. از کل مبلغ تجدیدارزشیابی شده (یا سود ناشی از مالکیت) که معادل ۴۸۰ هزارریال است، ۶۰ هزارریال در طول سال به صورت استهلاك براساس هزینه‌های جاری (۳۶۰ هزارریال به جای ۳۰۰ هزارریال که در ارزشیابی براساس قیمت اولیه ثبت می شد) تحقق یافته است، و مانده‌ی ۴۲۰ هزارریال در پایان سال سود حاصل نشده است. این رقم در ارزش جاری داراییهای ثابت پس از کسر استهلاك (۲۵۲۰ هزارریال به جای ۲۰۱۰۰ هزارریال که قیمت در ابتدای دوره بود) منظور شده است.

سرمایه‌ی مالی پولی، سرمایه را به صورت منبعی با ارزش پولی می‌نمایاند که به صاحبان موسسه تعلق دارد، و چه گونه سنجه‌ای را برای اندازه‌گیری سود ارائه می‌دهد که با ترانزاکشن‌ها هماهنگ است و به این دلیل برستهای متعارف ارزشیابی در ترانزاکشن‌ها تکیه می‌کند.

حفظ ارزش سرمایه‌ی مالی واقعی

نظرات اصلی درباره‌ی حفظ ارزش سرمایه‌ی مالی واقعی این است که آن چه مالک کسب و کار پیش از کسب سود دنیا ز به حفظ آن دارد، واحدهای پولی نیست، بلکه قدرت خرید واقعی است. روال متعارف این است که قدرت خرید واقعی را با کمک یکی از شاخصهای عمومی قیمت‌ها - مانند شاخص قیمت خرده‌فروشی (که فرض می‌شود تقریبی خوب برای نشان دادن تغییر در هزینه‌ی زندگی صاحبان کسب و کار می‌باشد) اندازه‌بگیرند. بنا بر این اگر سرمایه‌ی اولیه‌ی صاحبان کسب و کار برابر ۱۰۰ میلیون ریال باشد، و تورم شاخص قیمت خرده‌فروشی را به میزان ۱۰ درصد افزایش دهد، پیش از آن که سودی محاسبه شود، باید ۱۱۰ میلیون ریال یعنی ۱۰۰ میلیون ریال تعدیل شده با نرخ تورم را به عنوان سرمایه‌کنار بگذاریم. این، صرفاً همان سرمایه‌ی مالی پولی است که در آن این واقعیت گنجانیده شده است که ارزش واحد پول به دلیل تورم (و گاهی افت قیمت‌ها) نوسان می‌کند.

سرمایه‌ی مالی واقعی هرگز در ارتباط با ارزشیابی سنتی به کار نمی‌رود و پیشنهاد چنین کاربردی نیز داده نمی‌شود. چنین کاربردی رقمی بی معنی به عنوان سود به وجود می‌آورد، زیرا ارزشیابی دارایی‌ها منعکس‌کننده‌ی قیمت‌های در حال تغییر نیست، هرچند که روش تائید ارزش سرمایه‌کننده بر مبنای آن محاسبات انجام شده است، نشان دهنده‌ی تغییرات قیمت است. به این ترتیب، این روش در دوره‌های تورم، زیانهای جدی به وجود خواهد آورد. بنا بر این، اگر هدف یافتن "تعدیلی یک خطی" باشد تا حسابهایی

میتنی برهزینه‌ی اولیه را با منظور کردن اثرات تورم تعدیل کند، چنین تعدیلی کافی نخواهد بود اگر فقط به صورت تعدیل سرمایه‌ی مالی واقعی باشد. همچنین، لازم است که اثرات تورم بر ارزش داراییها (وبدهیها) شرکت نیز در تعدیلها منظور شود. در غیر این صورت تعدیل متکی به این فرض غیر قابل قبول خواهد بود که تغییرات قیمت فقط بر یک جزء ترازنامه (حقوق صاحبان سهام) اثر می‌گذارد و بر سایر اجزا (داراییها و بدهیها) تاثیر ندارد. بنابراین، تعدیل یک خطی به راستی نشان دهنده‌ی خالص تاثیر دو تعدیل (یکی برای سرمایه در آغاز دوره، و دیگری برای خالص داراییها) خواهد بود. روش سرمایه‌ی مالی واقعی در دو زمینه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد: در حسابداری قدرت خرید جاری، و در حسابداری ارزش جاری - از جمله روشهایی که از هزینه‌یابی جازی برای محاسبه‌ی ارزش جاری استفاده می‌شود. روش قدرت خرید جاری یک شاخص مشترک را برای داراییها و بدهیها به کار می‌گیرد، در حالی که روش ارزش جاری تغییرات قیمت را به طور اخص مورد استفاده قرار می‌دهد. ماهر یک از دو روش را به ترتیب مورد بررسی قرار خواهیم داد.

سرمایه‌ی مالی واقعی در حسابداری بر اساس قدرت خرید جاری حسابداری با در نظر گرفتن قدرت خرید جاری شامل تعدیل ارزش داراییها بر حسب قیمت‌های شروع دوره، و نیز تعدیل سرمایه‌ی است که نگاه داشته می‌شود. بنابراین، بر اعتراضی که بر ترکیب قیمت‌های اولیه با سرمایه‌ی مالی واقعی وارد بود، غلبه می‌کند. کلیه‌ی داراییهای غیر پولی (داراییهایی که ارزش آنها بر حسب واحدهای پولی ثابت نیست) با کاربردهای شاخص عمومی که در مورد سرمایه استفاده شده، دوباره ارزشیابی می‌شوند. پس در یک دوره‌ی تورم نه سود روی آن داراییها گزارش می‌شود و نه زیان. این روش ارزشیابی از مزیت بی طرفی برخوردار است، ولی عیب بزرگ آن این است که احتمالاً به نوعی ارزشیابی منجر می‌شود که

بسیار از قیمت جاری دارای در باز اریبه دور است. دارای پهای پولی (وجه نقد و بدهکاران) و بدهیهای پولی (بستانکاران و وامها) بر حسب واحدهای پولی ارزشی ثابت دارند. بنابراین، اعمال روش قدرت خرید جاری در مورد حفظ ارزش داراییهای پولی زیان (زیرا ارزش داراییهای پولی با تورم افزایش نمی یابد) و در مورد وام گیری سود (زیرا بار واقعی وام همراه با تورم کاهش می یابد) به دست می دهد.

محاسبات قدرت خرید جاری کاملاً بی طرفی را حفظ می کند، تغییرات شاخص عمومی قیمتها را انعکاس می دهد، و مشکلات ارزشیابی ناشی از کم تحرکی در باز اریه از کالاهای نامادیده می انگارد، ولی مشکلات به کارگیری مبنای قیمت های اولیه بر آن اثر می گذارد. علاوه بر آن، این محاسبات کاملاً پیچیده است. اخیراً پیشنهاد شده است که تعدیلی یک خطی می تواند برای خلاصه کردن تعدیلات روش قدرت خرید جاری به کار گرفته شود. در مثال ما، این تعدیل احتمالاً باید شامل کاهش ۲۴ هزار ریال از سود حاصل از به کارگیری قیمت های اولیه باشد تا آن را به سود حاصل از به کارگیری روش قدرت خرید جاری برساند. (این تفاوت بین سود بر اساس قیمت های اولیه به مبلغ ۴۰۰ هزار ریال که در مثال سرمایه مالی پولی قید شده بود، و سود بر اساس قدرت خرید جاری به مبلغ ۳۷۶ هزار ریال وجود دارد. رقم را نمی توان صرفاً با شاخص بندی سرمایه بر اساس قیمت های اولیه به دست آورد.) همان طور که قبلاً اشاره شد، ماهیت یک خطی بودن این تعدیل گمراه کننده است: تعدیل در حقیقت خلاصه ای از یک رشته تعدیلات قدرت خرید جاری در مورد اقلام مختلف حسابهاست. اگر تعدیل اخیر بیش از حد ساده به نظر می آید، روشهای پیچیده تری برای تطبیق دادن درآمد بر اساس قیمت های اولیه با درآمد بر اساس قدرت خرید جاری وجود دارد که در عین حال از کلیه حاشیه رویهای تعدیل بر اساس قدرت خرید جاری به دور است. به عنوان مثال، می توانیم به صورت جداگانه افزایش سود ناشی از تجدید ارزشیابی بر اساس قدرت خرید جاری در

مورد داراییهای غیر پولی، و کاهش ناشی از به کارگیری قدرت خرید جاری در مورد واقعی بودن (شاخص بندی شدن) - و نه اسمی بودن (پولی بودن) - سرمایه‌ی مالی را نشان بدهیم.

روش قدرت خرید جاری مورد استفاده قرار نمی گیرد، زیرا یک نارسایی قاطع دارد: نمی تواند تغییر قیمت داراییهای مشخصی را که شرکت از آنها استفاده می کند، یا آنها را نگاه می دارد، به خوبی نشان دهد. روش قدرت خرید جاری که با شاخص عمومی قیمتها، اقلام متکی به قیمتهای اولیه را تعدیل می کند، ممکن است، در زمانی که تغییر قیمتها زیاد باشد، تصویری کاملاً گمراه کننده از ارزش جاری داراییها در بازه دست دهد. بنا بر این، اگرچه روش قدرت خرید جاری ممکن است شیوه ای مناسب برای تبدیل داراییهای مالی پولی به داراییهای مالی واقعی باشد، در صورتی که نحوه ی ارزشیابی که ارقام بر آن متکی است (برای محاسبه ی سرمایه ی پولی در شروع دوره) و با آن مقایسه می شود (برای محاسبه ی سرمایه در پایان دوره) نامناسب باشد، ارقام حاصل برای اندازه گیری درآمد مصرفی نخواهد داشت. با ترکیب ارزشیابی بر اساس هزینه ی جاری و روش سرمایه ی مالی واقعی می توان بر این مشکل فایق آمد. حال این نظام را بحث می کنیم که در این جا با عنوان "نظام شرایط واقعی" آمده است.

سرمایه ی مالی واقعی با ارزشیابی بر اساس هزینه ی جاری روش "شرایط واقعی" تاریخی طولانی در نوشته های علمی حسابداری دارد این روش، برای اولین بار در گزارش کمیته ی سندی - لندن (۱۹۷۵) به عنوان مبنای هزینه یابی بر اساس هزینه های جاری به طور رسمی در بریتانیا به کار برده شد، و از آن پس، به عنوان وسیله ی ترکیب روش سرمایه ی مالی واقعی با ارزشیابی بر اساس هزینه ی جاری به کار رفته است. روش از ضعف روش قدرت خرید جاری - یعنی شکست در شناسایی تغییرات قیمت داراییها (در مقایسه با تغییرات عمومی قیمت) - عاری است، و نیز از ضعف روش کمیته ی

سندی لندنز در مورد هزینه‌های جاری - یعنی نادیده گرفتن تاثیر تورم عمومی در سود کل - نیز به دور است .

شکل ساده‌ی گزارش سوددهی بر اساس شرایط واقعی که درآمد بر اساس قیمت‌های اولیه را با کل سود واقعی هماهنگ می‌کند، در زیر تشریح شده است. این تعریف بر واقعیات فرض شده در مثال عددی، متکی است که قبلاً برای بیان هزینه‌ها بر اساس قیمت‌های اولیه، نظام کمیته‌ی سندی لندنز، و قدرت خرید جاری به‌کار گرفته شده بود.

هزار ریال

۴۰۰

درآمد بر اساس قیمت‌های اولیه

اضافه می‌شود:

افزایش داراییها بر اساس هزینه‌های جاری

۳۲۰

طی سال ۲

۷۲۰

کل سود واقعی

هزار ریال

۲- سود حاصل از مالکیت داراییها بر اساس

هزینه‌های جاری :

افزایش ارزش داراییهای ثابت با توجه به

۶۰۰

هزینه‌های جاری $(1 - 120/100) \times 3000 = 3000$

کسری می‌شود:

افزایش هزینه‌ی استهلاک انباشته با توجه به

۱۲۰

هزینه‌های جاری $(1 - 120/100) \times 600 = 600$

۴۸۰

منافع قابل تحصیل ناشی از مالکیت بر اساس

هزینه‌های جاری برای سال پس از کسر جزء

مربوط به تجدید ارزشیابی هزینه‌های جاری

که به عنوان استهلاک طی سال به هزینه منتقل

می‌شود (یعنی تعدیل استهلاک بر مبنای

هزینه‌های جاری ۲۰۰-۳۶۰ به عنوان سود

قابل تحصیل ناشی از مالکیت)

۱۶۰

۳۲۰

کسرمی شود:

تعدیل بابت تاثیر تورم بر ارزش سهامداران^۳

۲۰۰

۵۲۰

کل سود

مشاهده می شود که این گزارش شامل دو تعدیل بر درآمد بر اساس قیمت های اولیه است تا میزان سود واقعی را به دست دهد. اولین تعدیل، ارزش پولی هزینه جاری دارایی های را که در پایان سال نگاه داشته شده اند، در طی سال به رقم اصلی می افزاید (این رقم، سود تحقق نیافته حاصل از مالکیت است). تعدیل دوم مبلغی را برای منظور کردن تاثیر تورم در کاهش دادن ارزش سرمایه ی اولیه سهامداران کسرمی کند. بنابراین، برای اندازه گرفتن کل سود واقعی، روش سرمایه ی مالی واقعی به عنوان وسیله ی اندازه گیری سود مورد استفاده قرار می گیرد. این شکل ساده ی گزارش، که بر افزایش ارزش دارایی های واقعی تاکید می ورزد، به طور خاص مناسب حال شرکت های متکی به ارزش - مانند شرکت های سرمایه گذار در املاک - است که دارای قابلیت تولید نیستند.

گزارش تهیه شده بر اساس شرایط واقعی در اصل شبیه گزارش تغییر در حقوق مالی سهامداران است. گونه ی اندکی پیچیده تر، ولی احتمالاً کامل تر، این گزارش از محاسبه ی سود عملیاتی بر اساس هزینه های جاری آغاز می شود، سپس سود تحقق یافته و تحقق نیافته ی حاصل از مالکیت به آن افزوده می گردد و پس از آن کاهش ارزش سرمایه ی مالی واقعی از آن کسرمی شود. روشن است که این روش بیشتر برای شرکت های تولیدی مناسب است که قابلیت تولید شناخته شده ای دارند. این وضع در حقیقت گزینش نظام سندی بلند است که به آن روش حفظ ارزش سرمایه ی مالی واقعی افزوده شده است. چنین صورت وضعیتی، در مورد مثال عددی ما در زیر دیده می شود.

۳- $(1-110/100) \times 20000$ ، یعنی سرمایه ی سهامداران و ذخایر به قیمت جاری در شروع دوره پس از تعدیل به وسیله ی شاخص عمومی قیمت های سال.

هزار ریال	هزار ریال	هزار ریال	فروش
۷۰۰۰			کسرمی شود:
	۵۷۰۰		قیمت تمام شده ی کالا های فروخته شده
	۷۳		هزینه ی تعدیل فروش
۵۷۷۳			کسرمی شود:
۱۲۲۷	۶۰۰		سایر هزینه ها
	۳۶۰		استهلاک
	۱۰۰		سود و کما رمزد و ا م ها
۱۰۶۰			سود بر اساس هزینه ی جاری
۱۶۷			اضافه می شود:
			سود حاصل از مالکیت به قیمت جاری:
			هزینه ی تعدیل فروش
		۷۳	(موجودی کالا)
		۴۸۰	دارایی های ثابت
	۵۵۳		کسرمی شود:
			تعدیل سرمایه در اول دوره
			با توجه به تورم ۴
	۲۰۰		کل سود واقعی
۳۵۳			
۵۲۰			
=====			

این حساب ، تا نقطه ی محاسبه ی سود بر اساس هزینه ی جاری درست مثل حساب سود و زیان در هزینه یابی جاری است . سود حاصل از مالکیت که به آن افزوده می شود همان نتیجه ی تجدید ارزشیابی است که در گزارش سود بر اساس هزینه یابی جاری آمده است . این سود شامل سود تحقق نیافته ی حاصل از مالکیت (استهلاک و تعدیل قیمت تمام شده ی کالا های فروخته شده) است که در محاسبه ی سود

$$۴ - \text{مانند مثال قبل} (۱ - ۱۱۰/۱۰۰) \times ۲۰۰۰$$

بر اساس هزینه جاری کسر شده است. نکته‌ی نودر این روش کاهش سود است که رقم آن بر اساس ارزش پولی داراییها محاسبه می‌شود. بادر نظر گرفتن تورم که جزء موهوم‌ناشی از تورم را حذف می‌کند، ورقمی نهایی برای سود واقعی باقی می‌گذارد. تعدیل تورم (۲۰۰ هزار ریال) صرفا حاصل ضرب نرخ تورم (۱۰ درصد) در سرمایه‌ی اولیه‌ی صاحبان کسب و کار به هزینه جاری (۲ میلیون ریال) است. بدیلی دیگر از این گزارش میزان فزونی انواع مختلف داراییها یا بدهیها (سود واقعی) یا کاستی آنها (زیان واقعی) را نسبت به شاخص عمومی قیمت‌ها فاش می‌سازد. چنین گزارشی سود حاصل از وام‌گیری و زیان ناشی از مالکیت داراییهای پولی را نشان می‌دهد. سود یا زیان از مقایسه‌ی بدهیها و داراییهای که دارای ارزش پولی ثابت هستند با تغییر شاخص عمومی به دست می‌آید. بنا بر این، جزی با اهمیت و (بسیاری بر این عقیده‌اند) مفید از نظام قدرت خرید جاری را نشان می‌دهد. همچنین، سود (یا زیان) واقعی ناشی از مالکیت را می‌نماید که از مقایسه‌ی تغییر قیمت داراییهای واقعی با تغییر شاخص قیمت عمومی به دست می‌آید. بنا بر این، در مثال ما، داراییهای ثابت بر حسب قیمت اسمی به میزان ۴۸۰ هزار ریال افزایش یافته‌است، ولی ما تغییرات عمومی قیمت (۲۴۰ = $100/400 \times 240$) را از آن کسر می‌کنیم تا سود واقعی حاصل از مالکیت را که ۲۴۰ هزار ریال است، نشان دهیم: یعنی نیمی از سود اسمی حاصل از مالکیت موهوم و در نتیجه‌ی تورم عمومی حاصل شده بود. نظام قدرت خرید جاری داراییها را فقط بادر نظر گرفتن تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها نشان می‌داد، و بنا بر این از به دست آوردن این سود واقعی عاجز بود. این نتیجه به دلیل انحراف قیمت داراییها از شاخص عمومی قیمت‌ها حاصل می‌شود. در دست‌نداشتن این رقم ضعف واضح نظام قدرت خرید جاری است. خالص تاثیر این سود (و زیانهای) واقعی بر گروههای خاص دارای درست‌برابر رقم سود ناشی از واقعی حاصل از مالکیت است که در ساده‌ترین حالت دیده‌شد، زیرا گزارش دیگر در اصل صرفا ترتیبی متفاوت از اطلاعاتی است که در حالت ساده‌ی اولیه به دست آمده بود.

ترازنامه ای که بابه کارگیری روش شرایط واقعی به دست می آید، در اصل شبیه ترازنامه هزینه یا بیجاری است که در ترازشیا بیجاریها براساس هزینه یا بیجاری انجام شده بود، تنها تفاوت درنمایش حقوق مالی صاحبان کسب و کار است زیرا که بین سود حاصل از شاخص بندی عمومی سرمایه و اولیه، و سود حاصل از درآمد واقعی تمام وجود دارد. به طور خلاصه، روش قدرت خریدجاری/ هزینه یا بیجاری به شرایط واقعی می تواند در رقم سود در هزینه یا بیجاری و نیز رقمی به مراتب پرمعناتر به ما بدهد که سود ناشی از مالکیت داراییها است، البته تا آنجا که این سود، سود واقعی پس از منظور کردن تورم باشد. این که کدام یک از ارقام اخیر مفید تشخیص داده شوند هم به کاربرد اطلاعات و هم به ماهیت و شرایط عملکرد شرکت بستگی دارد. به عنوان مثال، در مورد شرکت تولیدی که قصد دارد توان تولید کنونی خود را حفظ کند، سود براساس هزینه یا بیجاری می تواند اطلاع با اهمیتی برای سرمایه گذاری باشد که می خواهد قدرت کسب درآمد شرکت را در آینده برآورده کند، در حالی که برای یک شرکت سرمایه گذار در املاک که در تراز افزایش سرمایه شرکت می تواند عاملی با اهمیت در تعیین اجاره ی دریافتی باشد، مبحث وسیع تر سود کل می تواند با اهمیت ترتلقی شود.

اعتراضی که می تواند بر روش تعیین سود کل وارد شود این است که مانده هزینه یا بیجاری به شدت بر ارزشیابی داراییها تکیه دارد، حال آن که این ارزشیابی می تواند تابع رکود شود. یعنی این که ارزشیابی به شدت تحت تاثیر عوامل خارجی و غیر قابل اطمینان است. این اعتراض می تواند در موارد خاص اهمیت بیشتر داشته باشد. به عنوان مثال تعیین ارزش داراییهای نیمه مصرف شده ی یک واحد تولیدی بر حسب هزینه یا بیجاری به مراتب دشوارتر از تعیین ارزش داراییهای یک شرکت سرمایه گذار در املاک است. با وجود این باید به خاطر داشت که شیوه های ارزشیابی پاره ای مشکلات رویاروی است، و در پاره ای از موارد می تواند استدلال کرده استفا ده ی بیشتر می تواند کمتر قابل اطمینان بودن را جبران کند، علاوه بر آن، کلیه ی نظامهای

حسابداری که در بالا شرح داده شد بر ارزش داراییها تکیه می کنند، زیرا تمام آنها مثالهایی از "حسابداری بر مبنای مفهوم - تعلق در آمد و هزینه" هستند. ما در بررسی جامع تر از نامه و حساب سود و زیان تاکید داشته ایم، و این خود نشان می دهد که اندازه گیری در آمد به ارزشیابی دارایی، و نیز به انتخاب روش حفظ ارزش سرمایه بستگی دارد. علاوه بر آن دو انتخاب به یک دیگر مربوط هستند (یا باید مربوط باشند). دیدیم که روش حفظ ارزش سرمایه مالی واقعی ظاهر به صورتی معقول با روش ارزشیابی هزینه بر اساس قیمت های اولیه هماهنگی ندارد. به همین ترتیب، می توانیم نتیجه گیری کنیم که روش حفظ ارزش سرمایه فیزیکی با هزینه یابی بر اساس قیمت های اولیه، یا با قدرت خرید جاری که به وسیله هزینه یابی بر اساس قیمت های اولیه تعدیل شده باشد، نیز در توافق نیست. به این ترتیب هنگام انتخاب روش حفظ ارزش سرمایه، نمی توانیم نسبت به گزینش پایانه ای ارزشیابی بی توجه باشیم.



سگرمی

پرش

آقای هوشمند از دیدن ماتریس زیر که هزینه توزیع شرکت چرا را از پنج کارخانه به چهار مرکز فروش نشان می دهد تعجب کرد.

کارخانه ها

مراکز فروش	۸	۶	۳	۵	۷
	۷	۵	۲	۴	۶
	۹	۷	۴	۶	۸
	۱۲	۱۰	۷	۹	۱۱

ماتریس نشان می دهد که هزینه انتقال یک تن کالا از کارخانه A به مرکز فروش I فقط ۸ تومان است. اگر گفتید چرا آقای هوشمند تعجب کرد؟